



بررسی رابطه هوش معنوی و جهت گیری مذهبی با شادکامی دانشجویان دانشگاه خوارزمی

دریافت مقاله: ۹۶/۲/۲۴ پذیرش مقاله: ۹۶/۸/۱۰

چکیده

سابقه و هدف: بسیاری از افراد شادکامی و نشاط را به معنای رقص و پایکوبی می‌دانند، اما شادکامی حقیقی را باید در روح و روان جست و این شادی می‌تواند از طریق اعتقادات و جهت‌گیری‌های مذهبی حاصل گردد. بر این اساس پژوهش حاضر، با هدف بررسی رابطه هوش معنوی و جهت‌گیری مذهبی با شادکامی دانشجویان انجام شد.

مواد و روش‌ها: جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه خوارزمی بود که از میان آنها ۲۸۸ نفر با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای، متناسب با حجم و با استفاده از فرمول کوکران به پرسشنامه‌های هوش معنوی King، جهت‌گیری مذهبی آپورت و مقیاس شادکامی آکسفورد پاسخ دادند. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS ۲۲ و با کمک آمار توصیفی، آزمون همبستگی پیرسون، رگرسیون چندگانه و آزمون t مستقل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: نتایج نشان داد هوش معنوی ($r=0/03$ و $p=0/24$) و مؤلفه جهت‌گیری مذهبی درونی ($r=0/06$ و $p=0/31$) با متغیر شادکامی رابطه مثبت معناداری دارند. اما بین مؤلفه جهت‌گیری مذهبی بیرونی با شادکامی رابطه معناداری دیده نشد ($r=0/11$ و $p=0/30$). همچنین، هوش معنوی، جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی به ترتیب ۰/۶۹۹، ۰/۰۹۶ و ۰/۰۶۲ از واریانس شادکامی را پیش‌بینی کردند. علاوه بر این، بین دانشجویان دختر و پسر در جهت‌گیری مذهبی، هوش معنوی و شادکامی تفاوت معناداری وجود ندارد.

نتیجه‌گیری: نتایج تحلیل رگرسیون حاکی از آن بود که هوش معنوی، بیشترین سهم را در تبیین تاب‌آوری دانشجویان دارد. در نهایت، می‌توان گفت افراد دارای جهت‌گیری مذهبی درونی، که تنها برای منافع شخصی تظاهر به دین‌داری نمی‌کنند و افراد دارای هوش معنوی بالا، از شادکامی بالاتری برخوردارند.

واژگان کلیدی: هوش معنوی، جهت‌گیری مذهبی، شادکامی

عسکر آتش‌افروز (PhD)
کامیار عظیمی (MSc)^{۱*}
مرضیه امینی (MSc)^۱

۱. گروه روانشناسی تربیتی، دانشگاه چمران، اهواز، ایران
۲. گروه روانشناسی تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

*نویسنده مسئول: کامیار عظیمی، گروه روانشناسی تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

تلفن: +۹۸ ۶۶ ۳۲۶۲۷۲۸۲
فاکس: +۹۸ ۶۶ ۳۲۶۲۷۲۸۲

Email:
kamyarazemi@yahoo.com

مقدمه

یکی از رشته‌های جدید روانشناسی در اواخر سده بیستم میلادی که افق تازه‌ای پیش روی روانشناسان و پژوهشگران گشوده است، «روانشناسی مثبت‌نگر» نام دارد. در این شاخه از روانشناسی به‌جای تأکید بر شناسایی و مطالعه کمبودهای روانی و کاستی‌های رفتاری و ترمیم یا درمان آنها، به شناخت و ارتقای وجوه مثبت و نقاط قوت انسان توجه و تأکید می‌شود (۱). این رشته جدید، طیف وسیعی از مفاهیم روان‌شناختی، از جمله مفهوم شادکامی را در بر می‌گیرد (۲). از اهداف این رویکرد، شناسایی عواملی است که به تأمین سلامتی و شادکامی افراد و بهره‌مندی آنها از یک زندگی سالم کمک کند. شادکامی یکی از مهم‌ترین نیازهای روانی بشر است که تأثیر عمده‌ای بر شکل‌گیری شخصیت و سلامت روان به‌ویژه در دوره نوجوانی و جوانی دارد. دانشجویان شادکام در امور تحصیلی خود موفق‌ترند، وظایف خود را بهتر انجام داده و از قدرت حل مسئله بالاتری برخوردارند (۳). Veenhoven (۴)، شادکامی را ارزیابی کلی ذهنی فرد از کیفیت زندگی خود تعریف می‌کند؛ به عبارت دیگر، فرایند خودارزیابانه‌ی احساسی و شناختی فرد از محیط انگیزشی خویش. شادکامی نوعی داوری است که از بیرون به

فرد تحمیل نمی‌شود؛ بلکه حالتی درونی است که از هیجانات مثبت تأثیر می‌پذیرد (۵). بر این اساس، شادکامی بر نگرش و ادراک‌های شخصی مبتنی است و بر حالتی دلالت می‌کند که مطبوع و دلپذیر است و از تجربه هیجانات مثبت و خشنودی از زندگی سرچشمه می‌گیرد (۶). از دیدگاه روانشناسان دو نوع شادکامی وجود دارد: نوعی از آن به دلیل شرایط محسوس زندگی، همچون ازدواج، تحصیل، شغل و به طور کلی امکانات مالی و رفاهی به دست می‌آید که به آن وجه عینی شادکامی می‌گویند و نوع دیگر متأثر از حالت‌های درونی و ادراک‌های شخصی است که از آن به شادکامی ذهنی یا احساس شادکامی تعبیر می‌شود (۲). احساس شادکامی بر جنبه‌های مختلف زندگی فرد همچون سلامت جسم، طول عمر، عملکرد تحصیلی و حرفه‌ای، فرایند اجتماع‌پذیری تفکر خلاق و توانایی حل مسئله و بهداشت روانی تأثیر مثبت دارد. از طرف دیگر فعالیت‌های بدنی، خصوصیات روان‌شناختی و دین‌داری می‌تواند نقش مهم و تأثیرگذاری بر احساس شادکامی افراد داشته باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد افراد شادکام افکار و رفتارهایی دارند که سازگار و کمک‌دهنده می‌باشند. با دید روشن به امور می‌نگرند، دعا و نیایش دارند،

دریافتند که افراد زمانی که مشغول انجام دادن فعالیت‌های مذهبی هستند، سطوح بالاتری از هیجان‌های مثبت را گزارش می‌دهند. یافته‌های پژوهش Procter و همکاران (۱۸)، نشان داد بین جهت‌گیری مذهبی بیرونی و شادکامی رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین، نتایج پژوهش‌های Ghaderi (۱۹) و Azmode و همکاران (۲۰) نشان داد که جهت‌گیری مذهبی با شادکامی رابطه معناداری دارد. یافته‌های پژوهش Rodríguez Sanz (۲۱)، رابطه مستقیم میان شادکامی و سلامت معنوی را گزارش کردند. Maseklo و Kubzansky (۲۲)، فعالیت‌های عمومی دینی را در مردان، پیش‌بینی کننده سلامت و بهزیستی دانسته‌اند و در بین زنان نیز، فعالیت‌های عمومی دینی و تجارب معنوی را با سلامت و بهزیستی مرتبط دانسته‌اند. Karl و همکاران (۲۳)، در تحقیقات خود نشان دادند که افراد شاد، بازدهی فردی، خانوادگی، تحصیلی و اجتماعی بالاتری دارند.

در ایران نیز اخیراً استقبال گسترده‌ای در خصوص بررسی ابعاد، ویژگی‌ها و پیامدهای روان‌شناختی مذهب پدید آمده است. به طور مثال، یافته‌های پژوهش Heydari و همکاران (۵)، نشان داد که معنویت ارتباط مثبتی با بهزیستی روانی داشته و این خود به واسطه آن شادکامی را پیش‌بینی می‌کند. یافته‌های پژوهش Jafari و همکاران (۲۴)، نشان داد که جهت‌گیری مذهبی و انجام مراسم عبادی و دینی حتی اگر برای مقاصد ظاهری نیز باشد منجر به افزایش خود مراقبتی در بیماران خواهد شد. Mohammadi و همکاران (۲۵)، در پژوهش خود گزارش کردند که بین جهت‌گیری مذهبی بیرونی با مؤلفه‌های سلامت روان همبستگی مثبت و بین جهت‌گیری مذهبی و بین جهت‌گیری مذهبی درونی با مؤلفه‌های سلامت روان همبستگی منفی وجود دارد.

Raesi و همکاران (۲۶)، در پژوهش خود نشان دادند که هوش معنوی بالاتر با شادکامی بیشتر و پیشرفت تحصیلی بیشتر دانشجویان همراه است. Zamirinezhad و همکاران (۲۷)، در پژوهشی تحت عنوان «پیش‌بینی شادکامی دانشجویان بر اساس هوش معنوی»، نشان دادند که هوش معنوی و جنسیت به صورت معنی‌داری قادر به پیش‌بینی نمره شادکامی دانشجویان است. Heydarirafat و Enayatinovinfar (۲۸)، در پژوهشی تحت عنوان «رابطه بین نگرش دینی و شادکامی در بین دانشجویان» نشان دادند که هوش معنوی بالاتر، با شادکامی بیشتر و پیشرفت تحصیلی دانشجویان همراه بود. Yaghobi (۲۹) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی رابطه هوش معنوی با میزان شادکامی دانشجویان» که میزان افزایش هوش معنوی، میزان شادکامی دانشجویان را نیز افزایش می‌دهد.

با این حال، بر خلاف تصور بسیاری از افراد که شادکامی و نشاط را به معنای رقص و پایکوبی می‌دانند، شادکامی حقیقی در روح و روان است و این شادی می‌تواند از طریق اعتقادات و جهت‌گیری‌های مذهبی حاصل گردد. به ویژه در دین مبین اسلام که نشاط و سرور را بخشی از سرشت انسان می‌داند و قوانین روح‌بخش آن به پیروان خود نشاط و شادمانی می‌بخشد. اسلام با توجه به نیازهای اساسی انسان، شادی، نشاط را تحسین و تأیید کرده است به طوری که قرآن که یکی از بهترین و مستحکم‌ترین منابع اسلام به شمار می‌رود، زندگی باشاد و شادی را نعمت و رحمت خدا

به طور مستقیم برای حل مسائل از خود تلاش نشان می‌دهند و به موقع از دیگران کمک می‌طلبند. در مقابل، افراد غیر شادکام به طرق مخرب فکر و عمل می‌کنند در خیالات فرو می‌روند، خود و دیگران را سرزنش کرده و از کار کردن در جهت حل مشکلات اجتناب می‌ورزند (۷). یکی از عوامل مهمی که می‌تواند رابطه نیرومندی با شادکامی داشته باشد، معنویت است. معنویت اشاره دارد به حقیقتی غایی یا غیر مادی، مسیری درونی که فرد را قادر می‌سازد تا اساس هستی خود را کشف کند یا عمیق‌ترین ارزش‌ها و معانی که انسان‌ها با آنها زندگی می‌کنند (۸). Vaughan (۹)، معتقد است که معنویت امر همگانی است و همانند هیجان، درجات و جلوه‌های مختلفی دارد؛ ممکن است هشیار، ناهشیار، رشد یافته یا غیر رشد یافته، سالم یا بیمارگونه، ساده یا پیچیده و مفید و خطرناک باشد.

یکی از ابعاد معنویت که می‌تواند ارتباط تنگاتنگی با شادکامی داشته باشد، هوش معنوی است. هوش معنوی از نظر Amram (۱۰)، عبارت است از مجموعه‌ای از توانایی‌ها برای کاربست و ابراز منابع، ارزش‌ها و ویژگی‌های معنوی در جهت افزایش کنش و بهزیستی زندگی روزانه. به باور Wallace (۱۱)، مذهبی بودن و معنویت می‌تواند شادکامی را به چهار شیوه بهبود ببخشد: ۱. اعمال مذهبی (مثل حضور در کلیسا) می‌تواند اتحاد اجتماعی و حمایت را افزایش دهد. ۲. تحول و رشد ارتباط یک فرد با خدا یا با یک سیستم روحانی و الهی می‌تواند شادکامی را ارتقا بخشد. ۳. مذهبی بودن و معنویت می‌تواند معنا، ارتباط و وابستگی و هدف را در زندگی یک شخص فراهم کند و در نهایت وفاداری به یک اعتقاد مذهبی یا معنوی می‌تواند انتخاب‌های سالم‌تر سبک زندگی را افزایش دهد. در همین راستا شماری از مطالعات نشان داده‌اند که مذهبی بودن و معنویت با مفاهیمی چون راهبرد مقابله‌ای در جهت حل مشکلات و مسائل روزمره (۱۲)، رضایت از زندگی (۱۳) و شادکامی (۱۱ و ۱۶) در ارتباط است.

یکی دیگر از عواملی که می‌تواند در شکل‌گیری شادکامی نقش داشته باشد، جهت‌گیری مذهبی است. این مفهوم بر دلایل ابزاری و غیر ابزاری بودن افراد در گزاردن کنش‌های مذهبی دلالت دارد. در حوزه روانشناسی، Allport (۱۴)، نخستین محقق هاست که جهت‌گیری مذهبی را مورد بررسی قرار داده است. مقصود Allport از جهت‌گیری مذهبی، ترکیبی از باورهای مذهبی، رفتارها و انگیزه بود. از دیدگاه Allport و Ross (۱۵)، این جهت‌گیری مذهبی به دو صورت جهت‌گیری مذهبی درونی و جهت‌گیری مذهبی بیرونی است. افراد دارای جهت‌گیری بیرونی، باورهای مذهبی را قبول دارند و به آن عمل می‌کنند. این گروه به اندازه‌ای در مراسم مذهبی شرکت می‌کنند که آنها را در رسیدن به اهداف مادی خود مانند وجه اجتماعی، رفاه و آسایش، حمایت و یاری تأیید رساند؛ اما جهت‌گیری مذهبی درونی، فراتر و متعالی‌تر از این مجموعه اهداف، در نظر گرفته می‌شود. در این جهت‌گیری، ایمان، به خاطر خود ایمان، ارزشمند و مفید است، نه به‌عنوان ابزاری برای رسیدن به اهداف. یافته‌های پژوهش McFarland (۱۶) نشان داد افرادی که به اجرای مراسم مذهبی مقید هستند، سلامت معنوی بالاتری دارند. در مطالعه جدیدی Krueger و همکاران (۱۷)، از یک سنجش روزانه برای اندازه‌گیری تجارب هیجانی افراد هنگام درگیری به فعالیت‌های روزانه استفاده کردند. بر پایه یک نمونه آنها

درونی و بیرونی مذهب تهیه کردند. در مطالعات اولیه‌ای که بر این مبنا صورت گرفت، مشاهده شد که همبستگی بین ماده‌های جهت‌گیری مذهبی درونی با ماده‌های جهت‌گیری مذهبی بیرونی ۰/۲۱- است (۱۵). این آزمون توسط Junbozorgi (۳۵) در ایران ترجمه و هنجاریابی شده است. همسانی درونی آن با استفاده از ضریب آلفای کرنباخ ۰/۷۱ و پایایی بازآزمایی آن ۰/۷۴ است. روایی ظاهری آن نیز توسط کارشناسان حوزه روان‌سنجی متناسب گزارش شد.

این پرسشنامه شامل ۲۱ عبارت است که در آن، گزینه‌های عبارت ۱ تا ۱۲ که جهت‌گیری مذهبی بیرونی را می‌سنجد از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق است، به این صورت که گزینه اول (الف) کاملاً مخالف، گزینه دوم (ب) تقریباً مخالف، گزینه سوم (ج) تقریباً موافق و گزینه چهارم (د) کاملاً موافق را تشکیل می‌دهد و در ۹ ماده بعدی یعنی شماره‌های ۱۳ تا ۲۱ که جهت‌گیری مذهبی درونی را اندازه‌گیری می‌کند، پاسخ‌ها برعکس است؛ یعنی گزینه اول (الف) را کاملاً موافق، گزینه دوم (ب) را تقریباً موافق، گزینه سوم (ج) را تقریباً مخالف و گزینه چهارم (د) را کاملاً مخالف در بر می‌گیرد. به پاسخ‌ها نمره ۱ تا ۵ تعلق می‌گیرد به این ترتیب که گزینه الف نمره ۱، گزینه ب نمره ۲، گزینه ج نمره ۴، گزینه د نمره ۵ و گزینه بدون پاسخ نمره ۳ می‌گیرد. جمع امتیاز عبارت‌های ۱ تا ۱۲ میزان جهت‌گیری بیرونی آزمودنی و مجموع نمره‌های عبارت‌های ۱۳ تا ۲۱ نمره جهت‌گیری درونی او را مشخص می‌کند. این پرسشنامه نقطه برش ندارد و هر چه آزمودنی‌ها در مقیاس‌های مورد بررسی نمرات بیشتری به دست آورند، بیشتر دارای آن صفت می‌باشند. آزمون، محدودیت زمانی ندارد و به صورت گروهی اجرا می‌شود.

- پرسشنامه شادکامی آکسفورد: این پرسشنامه که در سال ۱۹۸۹ توسط آرگیل، مارتین و کراسلند تهیه شده، در سال ۱۳۷۸ توسط علی پور و نوربالا به فارسی برگردانده شده است، دارای ۲۹ ماده است و بر اساس یک طیف ۴ درجه‌ای لیکرت از ۰ تا ۳ نمره‌گذاری شده است که ۵ عامل رضایت، خلق مثبت، سلامتی، کارآمدی و عزت‌نفس را در بر می‌گیرد. آلفای کرنباخ برای عوامل پنج‌گانه رضایت برابر ۰/۸۹، خلق مثبت برابر ۰/۸۴، سلامتی برابر ۰/۸۱، خودکارآمدی برابر ۰/۶۸ و عزت‌نفس برابر ۰/۵۸ به دست آمد که در سطح آماری $p < 0.001$ معنی‌دار بود. آلفای کرونیخ برای کل سؤالات پرسشنامه ۰/۹۳ و پایایی آن که از روش دو نیمه کردن آزمون محاسبه شده، ۰/۹۲ گزارش شده است (۳۶). برای بررسی روایی صوری پرسشنامه از ۱۰ متخصص نظرخواهی شد که همگی توان سنجش شادکامی را توسط این آزمون تأیید کردند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS ۲۲ و روش‌های آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه و آزمون t مستقل) استفاده شد.

یافته‌ها

جدول ۱ توزیع فراوانی آزمودنی‌ها را بر حسب جنسیت و میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. در جدول ذیل، میانگین نمرات هوش معنوی دانشجویان دانشگاه خوارزمی، برابر با ۱۱۳/۵۲ می‌باشد.

تلقی فرموده، زندگی همیشه توأم با گریه زاری و ناله را خلاف رحمت و نعمت خداوند می‌داند (۳۰). در کشور ما پژوهش در زمینه‌ی شادکامی در ابتدای راه قرار دارد و نیاز به بررسی بیشتر این مقوله در جامعه‌های پژوهش متفاوت کاملاً مشهود است. شادکامی در جامعه امروزی بسیار با ارزش است و نه تنها مردم خواستار شادی در زندگیشان هستند، بلکه از این عقیده نیز حمایت می‌شود که باید مراقب شادکامی دیگر افراد باشیم و دولت‌ها باید هدفشان را ایجاد شادی بیشتر برای شماری بیشتر از شهروندان قرار دهند (۳۱). بنابراین، با توجه به مطالب فوق، پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین هوش معنوی و جهت‌گیری دینی با شادکامی در دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه خوارزمی انجام شد. به طور کلی در تحقیق حاضر، دو پرسش مطرح است. آیا دو متغیر هوش معنوی و جهت‌گیری مذهبی می‌توانند شادکامی را پیش‌بینی کنند؟ سهم هر یک از متغیرهای هوش معنوی، جهت‌گیری مذهبی بیرونی و جهت‌گیری مذهبی درونی در پیش‌بینی شادکامی به چه میزان است؟

مواد و روش‌ها

این پژوهش یک مطالعه توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانشجویان دختر و پسر مقطع کارشناسی مشغول به تحصیل در سال تحصیلی ۹۶-۹۵ دانشگاه خوارزمی است که از این میان تعداد ۲۸۸ نفر با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای، متناسب با حجم و با استفاده از فرمول کوکران، انتخاب شدند. به‌منظور گردآوری اطلاعات در این پژوهش از سه مقیاس پرسشنامه هوش معنوی SISRI-۲۴ (۳۲)، پرسشنامه جهت‌گیری مذهب (۱۵) و پرسشنامه شادکامی آکسفورد (۳۳) استفاده شد.

- مقیاس خود گزارشی هوش معنوی (SISRI): این پرسشنامه توسط King (۲۰۰۸) ساخته شده و دارای ۲۴ عبارت است. همچنین این پرسشنامه ۴ زیر مقیاس تفکر تجربی- انتقادی (سؤالات شماره‌ی ۱-۳، ۹-۱۳، ۱۷-۲۱)، ایجاد معنای شخصی (۵-۷، ۱۱-۱۵، ۱۹-۲۳)، تعالی آگاهی (۲-۶، ۱۴-۱۸، ۲۰-۲۲) و گسترده‌ی هشیاری (۴-۸، ۱۰-۱۲، ۱۶-۲۴) را می‌سنجد. آزمودنی به سؤالات این پرسشنامه با توجه به مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای از «کاملاً نادرست نمره صفر» تا «کاملاً درست نمره ۴» پاسخ می‌دهد. King (۳۲) در بررسی اولیه‌ی مقیاس هوش معنوی که بر روی ۶۱۹ نفر از دانشجویان دوره لیسانس (۴۸۸ زن و ۱۳۱ مرد) دانشگاه پترزبورگ انجام داد، آلفای کرنباخ ۰/۹۵ و متوسط همبستگی درونی سؤالات را ۰/۳۶ گزارش کرد. آلفای کرونیخ برای مؤلفه‌های تفکر انتقادی، معناسازی شخصی، آگاهی متعالی و گسترش خودآگاهی به ترتیب ۰/۸۸، ۰/۸۷، ۰/۸۹ و ۰/۹۴ بیان شده است. برای بررسی روایی، این مقیاس را با چندین پرسشنامه معتبر از جمله مقیاس خود تفسیری فرا شخصی، مقیاس عرفان و مقیاس دین‌داری درونی و بیرونی مورد مقایسه قرار گرفته است و ضریب همبستگی آنها به ترتیب ۰/۶۷، ۰/۶۳ و ۰/۷۸ به دست آمده است (۳۴).

- پرسشنامه جهت‌گیری مذهبی Allport: Allport و Ross در سال ۱۹۵۰ این پرسشنامه را برای سنجش جهت‌گیری‌های

مذهبی درونی، جهت گیری مذهبی بیرونی در پیش بینی شادکامی دانشجویان استفاده شد. تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد که هوش معنوی $0/699$ واریانس شادکامی را پیش بینی کرده است. به همین ترتیب، جهت گیری مذهبی درونی و جهت گیری مذهبی بیرونی به ترتیب $0/062$ و $0/096$ از واریانس شادکامی را پیش بینی کرده است. بنابراین، جهت گیری مذهبی درونی، بیشترین سهم را در تبیین شادکامی دانشجویان دارد. خلاصه نتایج تحلیل رگرسیون در جدول ۳ آمده است. اجرای آزمون t نشان می‌دهد که در متغیر جهت گیری مذهبی بیرونی دانشجویان پسر، نمرات بالاتری نسبت به دانشجویان دختر کسب کرده‌اند، اما در سایر متغیرهای مورد بررسی، دانشجویان دختر نمرات بالاتری نسبت به دانشجویان پسر به دست آورده‌اند ولی تفاوت مشاهده شده بین دانشجویان دختر و پسر از نظر آماری در هیچ یک از متغیرها معنادار نیست.

همچنین، میانگین نمرات جهت گیری مذهبی درونی دانشجویان برابر با $31/08$ و نمرات جهت گیری مذهبی بیرونی دانشجویان برابر با $32/14$ می‌باشد و میانگین نمرات شادکامی دانشجویان دانشگاه خوارزمی برابر با $64/32$ می‌باشد. نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد از بین متغیرهای پژوهش، هوش معنوی ($p=0/03$ و $t=0/24$) و مؤلفه جهت گیری مذهبی درونی ($p=0/006$ و $t=0/31$) با متغیر شادکامی رابطه مثبت معناداری دارند. اما بین مؤلفه جهت گیری مذهبی بیرونی با شادکامی رابطه معناداری دیده نشد ($p=0/30$ و $t=0/11$). برای بررسی سهم تک تک متغیرهای پیش‌بین و ترکیب خطی آنها در پیش بینی شادکامی یک تحلیل رگرسیون چندگانه انجام شد که نتایج آن در جدول ۴ ارائه شده است. از آزمون تحلیل رگرسیون چندگانه، برای تعیین سهم هوش معنوی، جهت گیری

جدول ۲: ضریب همبستگی بین متغیرهای هوش معنوی،

جهت گیری مذهبی و مؤلفه‌های آن با شادکامی

متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین	ضریب همبستگی (r)	سطح معناداری
هوش معنوی	جهت گیری مذهبی	0/24	0/03
شادکامی	جهت گیری درونی	0/31	0/006
جهت گیری بیرونی	جهت گیری مذهبی	0/11	0/30

جدول ۱: شاخص توصیفی نمرات متغیرهای پژوهش

متغیر	N	M	SD
هوش معنوی	288	112/52	14/63
جهت گیری مذهبی درونی	288	31/08	5/66
جهت گیری مذهبی بیرونی	288	32/14	6/36
شادکامی	288	64/32	12/68

جدول ۳: خلاصه رگرسیون هوش معنوی و جهت گیری مذهبی درونی، جهت گیری مذهبی بیرونی بر شادکامی

متغیرهای پیش‌بین	R	شادکامی		
		R ²	F	سطح معناداری
هوش معنوی	0/836	0/699	118/59	0/08
جهت گیری مذهبی درونی	0/31	0/096	15/39	0/01
جهت گیری مذهبی بیرونی	0/25	0/062	0/87	0/38

جدول ۴: مقایسه دو جنس در متغیرهای پژوهش

متغیرها	Mean±SD		t
	دانشجویان پسر	دانشجویان دختر	
هوش معنوی	112/30±14/84	115/25±14/51	0/36
جهت گیری مذهبی درونی	30/52±5/80	31/79±5/45	1/58
جهت گیری مذهبی بیرونی	32/66±6/53	31/55±6/13	1/32
شادکامی	64/15±12/99	64/84±12/02	0/80

Kansal و Paliwal، (12) Gupta، (21) Sanz و Rodríguez، (8) Wallace، (11) Thimm، (13) همخوانی دارد. در حقیقت، Shaw (37) معتقد است از آنجاکه لذت‌های آتی زودگذر هستند، انسان‌ها همواره به دنبال لذت‌های پایدارتر بوده‌اند. فعالیت‌هایی که افراد برای جستجوی معنویت انجام می‌دهند از جمله کمک به دیگران و دلسوزی برای آنها می‌تواند منجر به شادکامی بشود. همچنین، Seligman (38) می‌گوید اگر آنچه ما را به یک شادی بزرگ‌تر پیوند دهد را کشف کنیم، به شادکامی

بحث و نتیجه گیری

این پژوهش، با هدف بررسی رابطه هوش معنوی و جهت گیری مذهبی با شادکامی دانشجویان صورت گرفت. یافته‌های پژوهش نشان داد که هوش معنوی با شادکامی رابطه مثبت معناداری دارد. این نتیجه، با یافته‌های پژوهش Heydari و همکاران (5)، Raesi و همکاران (26)، Zamirinezhad و همکاران (27)، Fatahi و همکاران (6)، Heydarirafat و Enayatnovinfar (28)، Yaghobi (29)،

در محیط‌های اجتماعی و مذهبی، از روابط اجتماعی و حمایت‌های کمتری نیز بهره‌مند می‌شوند و ممکن است اضطراب و نگرانی بیشتری را تجربه کنند و در نتیجه، موجب کاهش احساس رضایت و خشنودی در روابط اجتماعی می‌شود (۱۹). در واقع، به نظر می‌رسد که افراد با جهت‌گیری مذهبی بیرونی، به خدا اعتماد ندارند و حمایت او را ادراک نمی‌کنند؛ از این رو، در محیط احساس ایمنی نمی‌کنند و افزون بر اینکه به اکتشاف محیطی نمی‌پردازند، مسئولیت اعمال خود را نمی‌پذیرند و از زندگی احساس رضایت نمی‌کنند (۱۸). بنابراین، همان‌گونه که الگوی مسیر نشان داد، احساس شادی در زندگی آنها کاهش می‌یابد. اگرچه اعتقاد به خدا و اجرای دستورالعمل‌های دینی، افراد را به این باور می‌رساند که خدا یار و یاور آنهاست و در برابر مشکلات تنها نیستند، اما چون ارزش‌های مذهبی در افراد دارای جهت‌گیری مذهبی بیرونی، درونی نشده است، عدم باور درونی به رفتارهای مذهبی در زمینه کاهش باور درونی به کنترل اوضاع و شرایط نیز تعمیم شناختی می‌یابد و در نتیجه، فرد مسائل و رویدادها را به عوامل بیرونی و شانس و تصادف نسبت داده، احساس رضایت و شادی را کاهش می‌دهد. به عبارتی، چون جهت‌گیری مذهبی بیرونی با عدم احساس ایمنی به خدا همراه است، پایه ایمن جهت اکتشاف و مقابله با مشکلات و مسائل وجود ندارد (۴۳). در نتیجه، در شرایط اضطراب و عدم ارتباط درونی با خداوند، احساس کنترل و پناهگاه مطمئن داشتن کاهش می‌یابد و موجب عدم احساس شادی در زندگی می‌شود. به عبارتی، به نظر می‌رسد به دلیل عدم جهت‌گیری و ارتباط درونی و مقابله با مشکلات، احساس رضایت و شادی افزایش نمی‌یابد.

این پژوهش در دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه خوارزمی انجام شد. بنابراین، در تعمیم نتایج باید احتیاط لازم را لحاظ کرد. از آنجا که یکی از عوامل تأثیرگذار بر شادکامی، هوش معنوی و مذهب درونی است، ضروری است افرادی مانند روانشناسان و مشاوران خوابگاه‌های دانشجویی، مدرسان کارگاه‌هایی برگزار کنند تا گامی در راه ارتقا شادکامی دانشجویان باشد. دوران نوجوانی و اوایل جوانی زمان مناسبی برای آموزش هوش معنوی است، چرا که افراد این دوره و سن سؤالات فراوانی در این زمینه در ذهن می‌پروراند و پرورش معنویت و به‌کارگیری آن در حل مسائل و درک ارزش و معنای زندگی یاری دهد. همچنین دانشگاه بایستی تمهیداتی را ایجاد کند تا هوش معنوی در دانشجویان تقویت شود؛ محیط‌های غنی که سؤالات معنوی را برانگیزاند، می‌تواند موجب افزایش و تقویت هوش معنوی گردد. بدین جهت، با ایجاد سمینار و کارگاه‌هایی در این زمینه برای دانشجویان امکان دستیابی به این هدف میسر می‌گردد.

پژوهش حاضر، حمایت مالی نداشته است. در این پژوهش، تمامی اصول مرتبط با ملاحظات اخلاقی از جمله: محرمانه بودن اطلاعات پرسشنامه‌ها و رضایت آگاهانه شرکت‌کنندگان در پژوهش، رعایت شده است. نویسندگان این پژوهش، اعلام می‌دارند که هیچ‌گونه تعارض منافی با یکدیگر ندارند.

تقدیر و تشکر:

نویسندگان از همکاری صمیمانه تمامی دانشجویان دانشگاه خوارزمی تهران تشکر و قدردانی می‌کنند.

رسیده‌ایم و از آنجایی که هوش معنوی نوعی از هوش است که با استفاده از آن افراد قادر می‌شوند تا فعالیت‌ها و زندگی خود را در مسیری عمیق و معنادار هدایت کنند. بهره‌مندی از هوش معنوی و به‌کارگیری از الگوی هوش معنوی در زندگی روزمره می‌تواند موجبات شادکامی در زندگی روزمره شود. در واقع، از آنجایی که هوش معنوی توانایی تجربه شده‌ای است که به افراد امکان دستیابی به دانش و فهم بیشتر را می‌دهد و زمینه را برای رسیدن به کمال و ترقی در زندگی فراهم می‌سازد (۳۹).

یافته دیگر پژوهش حاضر نشان داد که جهت‌گیری مذهبی درونی با شادکامی رابطه مثبت معنادار دارد. این نتیجه با یافته‌های پژوهشی McFarland (۱۶)، Krueger و همکاران (۱۷) و همکاران (۲۳)، Jafari و همکاران (۲۴)، Mohammadi و همکاران (۲۵)، Ghaderi (۱۹) و Azmode و همکاران (۲۰) همخوان است. در تبیین نتیجه حاضر، باید عنوان کرد که در یک شخص دارای مذهب درونی، عقاید محکم شخصی محوریت و اهمیت دارد؛ در حالی که جنبه‌های اجتماعی مذهب اهمیت ندارد. زمانی که عقاید مذهبی در سطح بالایی قرار دارد، شادکامی نیز افزایش می‌یابد، زیرا اعتقاد به خدا به انسان قدرت می‌دهد و به همین دلیل، پیروان بسیاری از ادیان احساس می‌کنند در برابر مشکلات تنها نیستند و خدا یار و یاور آنهاست (۴۰).

Mysers (۴۱) نیز معتقد است که ایمان مذهبی، بر میزان شادی بسیار تأثیر دارد. بنابراین، مذهب، منبعی برای تفسیر مثبت وقایع و ارزیابی شناختی و منبع کنترل محیط است. به بیان دیگر، مذهب به مثابه منبع غنی معنا و هدف، کنترل درونی را به ارمغان می‌آورد. در واقع، افراد دارای جهت‌گیری مذهب درونی بیش از افراد دارای جهت‌گیری مذهب بیرونی، از سرسختی و شادکامی برخوردارند (۲۰). به هر حال، افراد با جهت‌گیری مذهبی درونی، به عقاید مذهبی بیشتر پایبندند و دین و مذهب در تمام جنبه‌های زندگیشان آشکار است؛ اما افراد دارای مذهب بیرونی، مذهب را وسیله‌ای برای کسب مقام و موقعیت برتر، امنیت و موقعیت اجتماعی می‌دانند (۴۲) و همین تأکید متفاوت بر عوامل درون شخصی و یا بیرونی می‌تواند تبیین‌کننده همراهی شادکامی با جهت‌گیری مذهبی درونی و عدم همراهی شادکامی با جهت‌گیری بیرونی مذهبی باشد.

از سوی دیگر، نتایج پژوهش حاضر نشان داد بین جهت‌گیری مذهبی بیرونی و شادکامی رابطه مثبت و معناداری وجود ندارد. این یافته با برخی از نتایج تحقیقات پیشین از جمله Proctor و همکاران (۱۸)، Maseiko و Kubzansky (۲۲)، Mohammadi و همکاران (۲۵)، Ghaderi (۱۹) همخوانی دارد. در تبیین نتیجه حاضر باید عنوان کرد از آنجایی که برای افراد دارای مذهب بیرونی، انگیزه‌های مذهبی بودن و به ارزش‌ها و عقاید بیرونی یا اجتماعی اهمیت دارد. از نظر Allport نیز مذهب بیرونی مذهبی ناپایگ کمتر رشد یافته‌تر است نسبت به مذهب درونی و مسیر جهت‌گیری بیرونی مذهب با کاهش احساس شادی در روابط اجتماعی مرتبط است. به عبارتی، افراد مذهبی با گرایش بیرونی، که دین را به منزله ابزاری برای رسیدن به مقاصد غیر مذهبی به کار می‌برند در زمان شرکت در آیین‌ها و مراسم دینی، به دنبال کسب مقام و موقعیت اجتماعی و اهداف شخصی خویش هستند و چون از عزت نفس و مسئولیت‌پذیری ضعیفی برخوردارند،

References

1. Peterson C, Seligman MEP. Character Strengths and Virtues. Oxford University Press. 2004; 554-564.
2. Haghghi J, Khoshkonesh A, Shokrkon H, Shehniyeylgh M, Neysi A. Relationship five-factor model of personality happiness martyr Chamran university students. Journal of Education and Psychology. 2006; 3 (13): 163-188 [In Persian].
3. Porrahimi M, Ahadi H, Asgari P, Bakhtiyaripor S. The effectiveness of Fordyce happiness training on coping strategies, quality of life and optimism female students. Sociology of Women. 2015; 6(3): 25-40 [In Persian].
4. Veenhoven R. How universal is happiness. In: Diener E, Kahnemann D, Helliwell JF (eds); 2010.
5. Heydari A, Koroshniya M, Hosseini S. The relationship between spiritual intelligence and happiness due to the psychological well-being. Psychological methods and models. 2015; 6(21): 73-85 [In Persian].
6. Fatahi R, Neshatdost H, Rabie M, Shrfi E. The relationship between happiness and spiritual tendencies in students of Isfahan University. Islamic Studies and Psychology. 2011; 5(8): 85-98 [In Persian].
7. Manzaritavakoli A, Eraghipor N. The relationship between religiosity and happiness among female students of Islamic Azad University Kerman academic year 1389-1388. Educational Psychology. 2010; 6 (19): 19-45.
8. Kansal M, Paliwal P. How the inner happiness generated through spirituality works as a fuie for success? International Journal of Marketing, Financial Services and Management Research. 2012; 1(7): 223- 231.
9. Vaughan F. What is spiritual intelligence? Journal of humanistic psychology. 2003; 42(2): 112-123.
10. Amram YC. The Integrated Spiritual Intelligence Scale (ISIS): Development and Preliminary Validation, Paper presented at the 116 the annual conference of the American psychological association Boston: MA; 2008.
11. Wallace JM. Contribution of spirituality and religious practices to children's happiness. A thesis submitted for the degree of M.A. University of British Columbia, Kelowna, BC Canada, 2010.
12. Gupta MG. Spiritual intelligence and emotion in telligence in relation to self-efficacy and self-regulation among college student. Journal of social since. 2012; 1: 60-69.
13. Thimm JC. Personality and early maladaptive schemas: A five-factor model perspective. Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry. 2010; 41: 373-380.
14. Allport GW. The Individual and his religion. New York: Macmillan; 1959.
15. Allport GW, Ross JM. Personal religious orientation and prejudice. Journal of personality and Social Psychology 1967; 5: 447-457.
16. McFarland MJ. Religion and Mental Health among Older Adults: Do the Effects of Religious Involvement Vary by Gender? Department of Sociology, University of Texas, Austin. 2009; 78-75.
17. Krueger B, Kahneman D, Schkade D, Schwarz N, Stone A. National time accounting: The currency of life. International Journal for the psychology of religion. 2009; 15: 73-93.
18. Proctor MT, Miner M, McLean L, Devenish S, Bonab BG. Exploring Christians' explicit attachment to God representations: The development of a template for assessing attachment to God experiences. Journal of Psychology and Theology. 2009; 37: 245-264.
19. Ghaderi D. Relationship between religious orientation and happiness of the elderly. Iranian Journal of Aging. 2010; 5(18): 21- 35 [In Persian].
20. Azmode P, SHahidi Sh, danesh E. The relationship between religious orientation and happiness in students with tenacity. Journal of Psychology. 2007; 41: 61-74 [In Persian].
21. Rodriguez-Muñoz A, Sanz-Vergel AI. Happiness and well-being at work: A special issue introduction. Revisit de Psychologies Organizations. 2013; 29(3): 95-7.
22. Maselko J, Kubzansky LD. Gender Differences in Religious Practices, Spiritual Experiences and Health: Results from the use General Social Survey. Social Science & Medicine. 2006; 62(11): 2848-2860.

23. Karl K, Peluchette JH, Harland LL. Attitudes toward workplace fun: A three sector comparison. *Journal of Leadership & Organizational Studies*. 2005; 12(2): 1-17.
24. Jafari Y, Rahimi J, Beknazar S, Lashkardost H, mohadeshakak H, Mosavijajarmi S, Hosseini S. The relationship between religious orientation and practice self-care in patients with type 2 diabetes. *Journal of North Khorasan University of Medical Sciences*. 2015; 7(2): 453-463 [In Persian].
25. Mohammadi J, Gholamrezae S, Azizi A. The relationship between religious orientation and mental health nurses working in public hospitals in Tabriz in 1393. *Journal of Sabzevar University of Medical Sciences*. 2015; 22(6): 41-49 [In Persian].
26. Raesi M, Ahmaritehrani H, Heydari S, Jafarbaghlo E, Abedini Z, Bathai S. Its spiritual intelligence and happiness and achievement in Qom University of Medical Sciences. *Iranian Journal of Medical Education*. 2013; 13(5): 431-440 [In Persian].
27. Zamirinezhad S, Piltan M, Haghshenas M, Tabraei Y, Akaberi A. Students predict happiness based on spiritual intelligence. *Journal of Sabzevar University of Medical Sciences*. 2013; 20(5): 773-781.
28. Heydarirafat A, Enayatinovinfar A. The relationship between religious attitude and happiness among students of Tarbiat Modarres University. *Psychology and Religion*. 2010; 4: 61-72 [In Persian].
29. Yaghobi A. The relationship between spiritual intelligence with the happiness of student Ali Sina University in Hamedan. *Journal of Research in Educational Systems*. 2010; 9: 85-95 [In Persian].
30. Ashorii J, Safariyan M, Yosefi N. Relationship between religious orientation, optimism and spiritual intelligence and spiritual health educators Quran. *Psychology and religion*. 2014; 2(26): 125-136 [In Persian].
31. Rojas M, Veenhoven R. Contentment and affect in the estimation of happiness. *Social Indicators Research*. 2013; 110(2): 415-431.
32. King DB. Rethinking claims of spiritual intelligence: a definition, model, and measure. [Thesis]. Ontario: Trent University; 2008.
33. Raghیب M, Siyadat S, Hakiminiya B, Ahmadi S. King Spiritual Intelligence Scale Validation (sisri-24) in Isfahan University students. *Achievements of psychological*. 2010; 4(1): 141 164 [In Persian].
34. Junbozorgi M. Evaluate the effectiveness of psychotherapy with the orientation and religious (Islamic) on inhibition of anxiety and stress. [MD Dissertation]. Tehran, Iran, 1998 [In Persian].
35. Junbozorgi M. Religious orientation and mental health. *Journal of Research in Medical Sciences*. 2007; 31(4): 345-350 [In Persian].
36. Alipor A, Norbala A. A preliminary study on reliability and validity of the Oxford Happiness among students in Tehran. *Journal of thought and behavior*. 1999; 5(2): 55-65 [In Persian].
37. Shaw I. Society and Mental Health: The Place of Religion. *Ment Health Rev J*. 2008; 13(1): 4-7.
38. Seligman, M. E. P. *Flourish: A visionary new understanding of happiness and wellbeing*. New York: Free Press; 2010.
39. Gain M, Purohit P. Spiritual intelligence: A contemporary concern with regard to living status of the senior citizens. *Journal of the Indian Academy of Applied psychology*. 2006; 32(3): 227-233.
40. Aghili M, Kumar GV. Relationship between religious attitudes and happiness am professional employees. *Journal of Indian Academy of applied psychology*. 2009; 34: 66-69.
41. Mysers D. The friends, funds, and faith of happy people. *American psychology*. 2000; 55: 56-67.
42. Moltafet G, Mazidi M, Sadati S. Personality trait, Religious orientation and happiness. *Peocedia social and Behavioral sciences*. 2010; 9: 63-69.
43. Beck R. God as a secure base: attachment to God and theological exploration. *Journal of Psychology and Theology*. 2006; 1(34): 125-132.



The relationship of spiritual intelligence and religious orientation with happiness Among students of Kharazmi University

Received: 14 May 2017

Accepted: 1 Nov 2017

Abstract

Introduction: Many people think that the happiness means the dance and stomp, while the real happiness should be sought in the spirit and it can be acquired through the religious beliefs and orientations. Therefore, the aim of this study was to investigate the relationship of spiritual intelligence and religious orientation with happiness among the students.

Methods: Statistical population of this study included all bachelor's students of Kharazmi University. Among them, 288 students were selected through stratified sampling proportional to size using Cochran formula and were asked to fill King's spiritual intelligence questionnaire, Alport religious orientation and Oxford Happiness Scale. Data were analyzed via SPSS 22 using descriptive statistics, Pearson correlation coefficient and multiple regression and independent t-test.

Findings: The results showed that there was a significant positive relationship between spiritual intelligence ($r=0/24$, $p=0/03$) and intrinsic religious orientation ($r=0/031$, $p=0/006$) with happiness. However, there was no significant relationship between happiness and external religious orientation ($r=0/11$, $p=0/30$). Spiritual intelligence, internal and external religious orientation predicted 0.699, 0.096 and 0.062 of the happiness variance, respectively. Moreover, no significant difference was found between male and female students in terms of religious orientation, spiritual intelligence and happiness.

Conclusion: Regression analysis showed that spiritual intelligence had the highest contribution to their tolerance. Finally, it can be said that people who have intrinsic religious orientation, only for personal interests do not pretend to be religious, and have spiritual high intelligence enjoy higher happiness.

Keywords: Spiritual intelligence, Religious orientation, Happiness

Atashafrouz A (PhD)¹

Azemi K (MSc)^{2*}

Amini M (MSc)¹

1. Faculty of educational psychology, Chamran University, Ahvaz, Iran

2. Faculty of educational psychology, Kharazmi University, Tehran, Iran

***Corresponding Author:**

Azemi K, faculty of educational psychology, Kharazmi University, Tehran, Iran

Tel: +98 66 32627282

Fax: +98 66 32627282

Email: kamyarazemi@yahoo.com